

جواب دوم) پاسخ مرحوم آخوند:

مرحوم آخوند در پاسخ به اینکه «رجوع استثناء به همه عمومات، مستلزم آن است که «الا»، اخراج‌های متعدد را ایجاد کند. و این به آن معنی است که «الا» در استعمال واحد، معانی متعدد را ایجاد کند» می‌فرماید: چه مستثنی منه واحد باشد و چه متعدد، و چه مستثنی واحد باشد و چه متعدد، مستعمل فيه ادات واحد است.

«ضرورة أن تعدد المستثنى منه كتعدد المستثنى لا يوجب تفاوتاً أصلاً في ناحية الأداة بحسب المعنى كان الموضوع له في الحروف عاماً أو خاصاً و كان المستعمل فيه الأداة فيما كان المستثنى منه متعدداً هو المستعمل فيه فيما كان واحداً كما هو الحال في المستثنى بلا ريب و لا إشكال و تعدد المخرج أو المخرج عنه خارجاً لا يوجب تعدد ما استعمل فيه أداة الإخراج مفهوماً»<sup>۱</sup>

ما می‌گوییم:

۱. ما حصل فرمایش مرحوم آخوند، صرفاً بیان اشکال نقضی است. یعنی می‌فرمایند همانطور که اگر گفته باشیم «اکرم العلما الا زیداً و عمرواً»، تعدد مستثنی، به معنای تعدد استعمال نیست، در ما نحن فيه هم تعدد مستثنی منه به معنای تعدد استعمال نیست.

۲. «مفهوماً» در عبارت مرحوم آخوند، به این معنی است که تعدد مستثنی یا تعدد مستثنی منه، باعث نمی‌شود که مفهوم «الا» تغییر کند.

۳. اما به نظر می‌رسد بهتر است گفته شود که «لا یوجب تعدد ما استعمل فيه أداة الإخراج مصداقاً» چرا که اگر موضوع له الا را خاص دانستیم، تعدد اخراج، به معنای آن است که بگوییم «اخراج‌هایی که ادات الاخراج در آنها استعمال شده است» متعدد است.

ولی البته بنا بر نظر مرحوم آخوند که موضوع له «الا» را عام می‌دانند، آنچه (مطابق نظر اشکال‌کنندگان) لازم می‌آید، استعمال در اکثر از معنای واحد است که می‌تواند به معنای تعدد معنای مستعمل فيه باشد که همان «تعدد مفهومی معنای الا» است.

۴. اما چنانکه گفتیم پاسخ مرحوم آخوند صرفاً یک پاسخ نقضی است و ایشان اشاره‌ای به حل مشکل نکرده‌اند.

۵. در پاسخ به اشکال نقضی ایشان هم برخی از بزرگان نوشته‌اند:

«و اما ما ذكره صاحب الكفاية من تشبيه المقام بصورة تعدد المستثنى.

<sup>۱</sup>. كفاية الاصول، ص ۲۳۵



فهو ليس كما ينبغي و ذلك: لأن المستثنى تارة: يكون متعددا مصداقا، لكنه واحد بالعنوان، كعنوان: «الفساق». و أخرى: يكون متعددا عنوانا. فالأول: لا إشكال فيه لو حده طرف الربط و لكنه لا يشبه المورد. الثاني: تارة يكون مع العطف كان يقول: «أكرم العلماء الا الفساق و النحويين». و أخرى بدون العطف.

فالأول: لا إشكال فيه، لأن الربط و ان تعدد لكن الدال متعدد أيضا، إذ هو في الأول أداة الاستثناء و في الثاني أداة العطف. فهو لا يشبه المورد من جهة تعدد الربط و وحدة الدال المذكورة في الإشكال.

و الثاني: لم يثبت جوازه، بل محذور تعدد المستثنى منه يسرى إليه و يرد فيه بلا تفاوت لتعدد الربط و وحدة الدال. فتدبر.»<sup>1</sup>

توضیح:

۱. اگر تعدد مستثنى به جهت تعدد افراد یک عنوان است، در این صورت «الا» یک ارتباط بین مستثنی و مستثنی منه ایجاد کرده است
۲. اگر تعدد مستثنی به جهت تعدد عنوان‌های مستثنی است (مثل اکرم العلماء الا زیداً و عمرواً) در این صورت گاه «واو» عاطف موجود است. در این صورت (و عمرواً)، به معنای (و الا عمرواً) است و این هم تعدد دال است.
۳. ولی اگر تعدد مستثنی، به جهت تعدد عنوان‌های مستثنی است و (واو) عاطف هم موجود نیست. در این صورت، ما می‌گوییم جایز نیست که «الا» به هر دو برگردد (و اشکال در طرف مستثنی منه در این طرف هم موجود است)



<sup>1</sup> . منتقى الاصول، ج ۳، ص ۳۹۴